

نگرشی بر نگارش های کلامی (۴)

الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (ت ۶۴۸-م ۷۲۶ق)، معروف به علامه حلی، از برجسته ترین متکلمان امامی حوزه حله به شمار می آید که با نگارش آثار کلامی پرشمار در موضوعات مختلف عقیدتی، نقش مهمی در تبیین و گسترش کلام امامیه در عصر خودش ایفا نمود. نگاشته های کلامی علامه از حیث هدف نگارش، حجم و سطح طرح مباحث و مخاطبان گوناگون اند. پاره ای از آنها همچون الأبحاث المفیده فی تحصيل العقیده رساله های کم حجمی هستند که علامه در آنها از حد طرح اصل عقیده فراتر رفته و ضمن بیان مختصر اقوال مشهور در هر مسأله، به نقل عقیده مختار و ادله منتخب خود پرداخته است.

۱. برخی از آنها همچون (بخش کلامی) رساله واجب الاعتقاد و نیز رساله موسوم به باب حادی عشر (باب یازدهم کتاب منهاج الصلاح فی اختصار المصباح) رساله هایی بسیار مختصرند از گونه اعتقادنامه ها که در آنها عمدتاً اصل دیدگاه های اعتقادی امامیه مجال طرح یافته و به ادله و اقوال مختلف در هر مبحث پرداخته نشده است. هدف علامه از نگارش این نوع رساله ها بیان چکیده اعتقادات شیعی برای عموم شیعیان بوده است و به همین سبب از طرح مباحث فنی دانش کلام به طور کامل خودداری کرده است.

۲. پاره ای دیگر رساله های کم حجمی هستند که در سطح علمی بالاتری نگارش یافته و علامه در آنها از حد طرح اصل عقیده فراتر رفته و ضمن بیان مختصر اقوال مشهور در هر مسئله، به نقل عقیده مختار و ادله منتخب خود پرداخته است. رساله هایی همچون نهج المسترشدين و الأبحاث المفیده فی تحصيل العقیده و الرسالة السعدیة در زمره این دست آثارند که غرض علامه از نگارش آنها تحریر مسائل کلامی به شیوه ای مختصر برای محصلان و کلام آموزان مبتدی بوده است.

۳. بعضی دیگر از مکتوبات کلامی علامه حلی آثاری با حجمی متوسط است و برای آن دسته از دانشجویان کلام امامی که از سطح ابتدایی گذر کرده اند و با مقدمات دانش کلام آشنا شده اند نوشته شده است. علامه در این نگاشته ها، مسائل را با بسط بیشتری مطرح کرده، اقوال گوناگون و ادله مختلف حائز اهمیت در هر مسئله را برشمرده و در پایان رأی برگزیده خودش را به اثبات رسانده است. طبعاً در این قبیل آثار، مسائل و موضوعات کلامی بیشتری هم نسبت به دو دسته پیشگفته مطرح گردیده و مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال کتاب تسلیک النفس باید در همین طبقه از نگاشته های علامه در نظر گرفته شود.

۴. دسته چهارم از تألیفات کلامی علامه، کتاب هایی است با حجمی قابل توجه که مباحث کلامی

چکیده:

علامه حلی از برجسته ترین متکلمان امامی حوزه حله بشمار می آید که با نگارش آثار کلامی پرشمار در موضوعات مختلف عقیدتی، نقش مهمی در تبیین کلام امامیه در عصر خودش ایفا نمود. نگاشته های کلامی علامه از حیث هدف نگارش، حجم و سطح طرح مباحث و مخاطبان گوناگون اند. پاره ای از آنها همچون الأبحاث المفیده فی تحصيل العقیده رساله های کم حجمی هستند که علامه در آنها از حد طرح اصل عقیده فراتر رفته و ضمن بیان مختصر اقوال مشهور در هر مسأله، به نقل عقیده مختار و ادله منتخب خود پرداخته است. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی رساله کلامی به نسبت مختصر علامه حلی موسوم به الأبحاث المفیده فی تحصيل العقیده پرداخته و برخی از ویژگی های آن را برمی شمارد. وی مطالب شایان توجه پیرامون این رساله را در قالب چند مبحث ارائه می نماید: نام و صحت انتساب رساله، نسخ خطی، شروح، چاپ ها، ارزیابی چاپ های اثر، ساختار و محتوای رساله.

کلیدواژه:

الأبحاث المفیده فی تحصيل العقیده، رساله کلامی، علامه حلی، آثار کلامی، کلام امامیه، اعتقادات امامیه، اعتقادات شیعه، عقاید شیعه.

الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة

تأليف: علامة حلّي، حسن بن يوسف بن المطهر (۶۴۸ - ۷۲۶)

تحتقيق واعداد: ی. ح

در آنها به نحو نسبتاً مفصل، در سطحی تخصصی بیان شده است. در این گونه آثار، هم فروعات کلامی و هم اقوال و ادله موافقان و مخالفان در هر مسئله تبیین شده است. قصد علامه از تألیف این کتب، بررسی و تقریر مسائل کلامی برای محققان کلام پژوه بوده است. برای نمونه می‌توان از مناهج الیقین علامه حلّی یاد کرد که کتابی تخصصی در دانش کلام است.

۵. در میان نگارش‌های کلامی علامه آثاری نیز یافت می‌شوند که وی در آنها به نحو مبسوط و در سطحی بسیار تخصصی و کلان به تشریح مسائل کلامی دست یازیده است. این کتاب‌ها به هیچ وجه صبغه آموزشی نداشته و آثاری کاملاً تحقیقی و فنی در دانش کلام محسوب می‌شوند. طبعاً مخاطب علامه در این کتاب‌ها هم متخصصان و خبرگان دانش کلام اسلامی است. کتاب کبیر علامه حلّی در علم کلام با عنوان *نهاية المرام في علم الكلام* نمونه بارزی از این دست از آثار کلامی اوست که وی در بسیاری از آثار دیگر خود، خواننده را برای آگاهی از تفصیل مطالب به این کتاب ارجاع می‌دهد.

۶. گونه‌ای دیگر از نگاه‌هاست که کلامی علامه عبارت است از آثاری که برخلاف اقسام پیشین که در آنها به انحاء مختلف و در سطوح متفاوت یک دوره کامل دانش کلام شیعی تقریر شده است، تنها در خصوص یک یا چند موضوع خاص کلامی مثل امامت به نگارش درآمده است. کتاب‌های *منهاج الکرامة*، *الألفین*، *نهج الحق* و *كشف الصدق* و *كشف الیقین في فضائل أمير المؤمنين (ع)* در همین سنخ از آثار علامه قابل ذکر است.

در کنار آثار پیشگفته، دو دسته تألیفات دیگر هم در میان نوشته‌های کلامی علامه قابل شناسایی است که البته ماهیتی غیر مستقل دارند:

۷. کتاب‌هایی که به عنوان شرح بربیک متن کلامی موجز به رشته تحریر درآمده‌اند؛ شروحو همچون *كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد* و *انوار الملكوت في شرح الياقوت و معارج الفهم في شرح النظم و كشف الفوائد في شرح قواعد العقائد*. روشن است که قصد علامه از نگارش این آثار، ایضاح و تبیین عبارات و مطالب یک متن کلامی مهم دیگر از خودش یا دیگر متکلمان بوده است.

۸. پرسش و پاسخ‌ها یا استفتائات اعتقادی که در آنها علامه بر حسب پرسش‌های مطرح شده و نیز سطح دانش پرسنده، به بیان دیدگاه‌های خود در خصوص مسائل کلامی پرداخته است و شخص پرسشگر، مجموعه آن سؤال‌ها و جواب‌ها را تدوین کرده است. از این گونه آثار است: *أجوبة المسائل المهنية و مسائل ابن زهره*.

معرفی رساله الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة

در این نوشتار به طور خاص به معرفی یکی از رساله‌های کلامی به نسبت مختصر علامه حلّی موسوم به *الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة* می‌پردازیم و برخی از ویژگی‌های آن را برمی‌شماریم. مطالب شایان توجه در خصوص این رساله در چند بخش زیر تقدیم می‌گردد.

۱. نام و صحت انتساب رساله

علامه حلّی در خلاصه الأقوال^۱ و همچنین در اجازه‌ای که برای مهنا بن سنان صادر کرده است^۲، از این رساله در زمره آثار کلامی خودش نام برده است؛ بنابراین تردیدی در صحت انتساب این اثر به او نیست. اگرچه علامه در اجازه‌اش به مهنا بن سنان از این رساله زیرعنوان «*الأبحاث المفيدة في تحقيق العقيدة*» یاد کرده است^۳، با توجه به اینکه هم‌و در خلاصه الأقوال و همچنین در مقدمه این اثر - بنا بر دو نسخه‌ای که هم اکنون در دسترس دارم (نسخه مجلس و کتابخانه حکیم) - به صراحت از آن با عنوان «*الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة*» نام برده است. به نظر می‌رسد که به احتمال قوی، نام صحیح این رساله همان «*الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة*» باشد. در این صورت احتمالاً آنچه که در اجازه به مهنا بن سنان آمده - بر فرض اینکه در اصل اجازه هم چنین بوده باشد و خطای کاتب یا مصحح در کار نباشد - سهوی است که بر قلم علامه بزنگار رفته است. شاهد دیگر بر این مدعا آن است که رساله *الأبحاث المفيدة* در سرشت و ذات خود نگاه‌هاست آموزشی است، نه تحقیقی و چندان تخصصی. بنابراین گویی عنوان «*تحصيل عقیده*» متناسب‌تر با ماهیت این رساله باشد تا «*تحقیق عقیده*».

در دست‌نوشته‌های بازمانده از رساله *الأبحاث المفيدة*، ظاهراً نشانی

۱. حلّی، حسن بن یوسف؛ خلاصه الأقوال في معرفة الرجال؛ تحقیق: جواد قیومی؛ مؤسسه النشر الفقهی، قم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۱.

۲. همو، أجوبة المسائل المهنية؛ تصحیح: محی‌الدین الممقانی؛ مطبعة الخيام، قم، ۱۴۰۱ق، ص ۱۵۶. نیز نگریه همین اجازه را در: مجلسی، محمّدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۱۴۸.

۳. همان. نیز نگریه به: الطباطبائی، السید عبدالعزیز؛ مكتبة العلامة الحلّي؛ مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۵ و ۲۲۳؛ سبحانی، جعفر؛ رسائل و مقالات؛ مؤسسة الإمام الصادق (ع)، الطبعة الثانية، قم، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۳۴۰؛ معجم التراث الكلامی، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۲۳ش، ج ۱، ص ۱۰۰.

از زمان نگارش آن دیده نمی‌شود و از این رو، تاریخ تألیف این رساله به طور دقیق دانسته نیست. تنها از ارجاع‌هایی که علامه در این رساله به دو کتاب دیگرش، یعنی *مناهج الیقین*^۴ (تألیف شده در ۶ ربیع الآخر سال ۶۸۰ ق)^۵ و *الأسرار الخفیة*^۶ (نوشته شده در همان حوالی سال ۶۸۰ ق)^۷ داده است، می‌توان دریافت که وی این رساله را پس از سال ۶۸۰ ق نگاشته است. علامه در موضعی از رساله نیز خواننده را برای تفصیل روایات مربوط به امامت حضرت علی (علیه السلام) به سایر «کتاب‌های کلامی / کُتُبنا الکلامیة» خودش که پیش از این نوشته ارجاع داده است.^۸ با توجه به تعبیر جمع «کُتُب»، معلوم می‌شود به احتمال زیاد علامه قبل از نگارش رساله *الأبحاث المفیده*، *سوی از مناهج الیقین* و *الأسرار الخفیة* (که از این، کتابی فلسفی است و هیچ در آن بحثی از امامت نشده است)، آثار کلامی دیگری نیز که حاوی روایات دال بر امامت حضرت می‌شده نوشته بوده است.

۲. نُسخه خطی

از رساله *الأبحاث المفیده* در تحویل العقیده دست‌کم سه نسخه خطی موجود است:

۱. نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۹۴۶/۴ به خط محمّد جواد بن کلبعلی بن جواد کاظمی که در تاریخ ۱۰۹۰ هجری قمری کتابت شده است.

۲. نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۴۱۳، که دست‌نوشتی متأخر (احتمالاً حدود قرن دوازده و سیزده هجری قمری) است، ولی تاریخ دقیق کتابت آن معلوم نیست.^۹

۳. نسخه کتابخانه عمومی آیه الله حکیم نجف به شماره ۱۰۵۹۹، این نسخه به خط ادیب خبیر شیخ محمّد بن طاهر السّماوی در سال ۱۳۳۵ هجری قمری کتابت شده است.^{۱۱}

۴. نگرید: جلی، حسن بن یوسف؛ *الأبحاث المفیده* در تحویل العقیده: تحقیق و اعداد: سی. ج. یعقوب جعفری؛ مجله کلام، پائیز ۱۳۷۱ هجری شمسی، سال اول، شماره ۳، صص ۳۱، ۳۲، ۳۵. ارجاعات بعدی به این رساله در طول مقاله همگی به همین چاپ ازان است.

۵. اشمنتکه؛ اندیشه‌های کلامی علامه حلی؛ ترجمه احمد نمایی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش، صص ۵۴-۵۵.

۶. نگرید: جلی، حسن بن یوسف؛ *الأبحاث المفیده* در تحویل العقیده: ص ۳۹. مُصَحِّح رساله در مقدمه اش (ص ۲۳، ستون دوم، بند نخست) آورده که «علامه در این کتاب، از میان مصنفات خود تنها از مناهج الیقین نام می‌برد»؛ ظاهراً ارجاع علامه به کتاب *الأسرار الخفیة* از چشم ایشان پوشیده مانده است.

۷. اشمنتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۶۳.

۸. «... و غیر ذلك مما ذکرناه في کُتُبنا الکلامیة». جلی، حسن بن یوسف؛ *الأبحاث المفیده* در تحویل العقیده: ص ۳۹، ستون نخست، سطر آخر.

۹. نگرید: درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۳۰۳.

۱۰. نگرید: اشمنتکه، الهیات علامه حلی (Klaus Schmidtke, Sabine. *The Theology of al-'Allama al-Hilli* (d. 726/1325). Berlin: Schwarz, 1991)، ص ۷۴. در ترجمه ابن اثربه قلم آقای احمد نمایی زیر عنوان «اندیشه‌های کلامی علامه حلی»، ص ۷۵، س ۴، به اشتباه شماره نسخه ۵۵۹ ذکر شده است.

۱۱. برای مشخصات تفصیلی نسخه رک به:

<http://alhakeemlib.org/WebPages/Autograph.aspx?filterword=%D8%A7>

۲۴ مجله

مشترکاً قطعاً و إذا ثبت ان الوجود مشترك ثبت انه زائد
لزم اشتراك الحقائق في خصوصياتها او تركيب الموجود
البيضة وكلاهما محال .

الحمد لله المتوحد بالجلال المنفرد بالكمال المؤيد
عباده بخلق العقل حتى يتنبهوا لتأثيراته والمنفصل عليهم
بإرسال الرسل ليرتكبوا مأموراته فيتوصلوا بأفعالهم في
استعمال هاتين القوتين الى تحصيل النعيم المؤيد ويتخلصوا
من العذاب السرمذ وصلّى الله على أشرف أنبيائه محمد وعلى
آكرم أبنائه .

فهذه الرسالة تشتمل على المطالب الكلامية وتحتوي
على البراهين القطعية قد سلكتنا فيها طريق الحق الواضح
وبرهنا فيه بالدليل الصحيح اللامع وسحبنا بها بالأبحاث
المفيدة في تحصيل العقيدة وربتها على فصول ونسأل الله
تعالى أن يوفقنا للوصول إلى النهاية القصوى من الحق إنه
ولي هدايتنا منه بدتنا وإليه عودنا وهو حسبنا ونعم الوكيل .

الفصل الأول: في الأمور العامة

وفيه مباحث:

المبحث الأول: الحق عندنا أن الوجود والعدم
والرجوب والإمكان والإشباع من التصورات البديعية وان
من رام تحديد هذه الأشياء فقد أخطأ فإنه يعرف بالانحطى
ولا يتخلو تعريفه عن دور .

المبحث الثاني: في ان الوجود مشترك:
اعلم ان الناس اختلفوا في أن الوجود هل هو مشترك
بالاشتراك المعنوي بين الموجودات كما انه مشترك لفظاً أم لا
واحق هو الأول فإنا قد بينا ان تصور الوجود بديهي ولو كان
عبارة عن حقائق الاشياء لم يكن كذلك وايضاً فإنا نقول
الموجود إما أن يكون واجباً أو ممكناً ومورد التقسيم يكون

المبحث الثالث:
اتفق العقلاء على ان العدم الممتنع نفسي مح
والمحققون على ان الممكن كذلك وذهب أبو هاشم
وأصحابه إلى انه ثابت وتحقق مذهبهم ان الوجود عن
زائد على المهيبة وانه أخص من الوجود والمهيبة حال حد
بستحيل أن تكون مرجدة وإنتها هي ثابتة أو ذات وعز
وجوهه وسواد وبياض إلى غير ذلك من الأجناس وان
تعالى لا يقدر على جعل الذات ذاتاً والجوهر جوهرأ
يقدر على إخراج الذات من العدم الى الوجود وهذا المذهب
لا شك في سخافته فان الثبوت والوجود عبارتان عن ما
واحد وهو الكون في الأعيان فإن جعلوا لفظ الوجود يا
على غير هذا المعنى كان نزاعاً لفظياً إلا انهم يلزمهم الأ
بالقدم وتقول أيضاً الذوات المعدومة إذا خرج منها
الرجسور شيء وتقصت عما كانت فيلزم التناهي
المعدومات وان يتناهي مقدور الله تعالى .

المبحث الرابع:
الحق ان الشيء إما أن يكون مرجوداً وإما أن ي
معدوماً ومستند هذا الحصر العقل وقد نازع فيه
وأثبتوا بينها واسطة وهو الحال وهي صفة الوجود لا توص
بالوجود ولا بالعدم وقالوا الأعراض التي لا تكون مشر
بالحياة كاللون والرائحة لا ترجب لمحالها أحوالاً ولا صفة
إلا الكون فإنه ترجب ما له فهي الكائنة والتي تشترط با
فإنها ترجب لمحالها أحوالاً عائدة إلى الجملة كالعلم ف
يتنفي بجملة البدن حالة هي العالمية والقدرة تقت
القادرة وكذلك البراقبي وهذا مذهب أبي هاشم .

۳. شرح

در مقایسه با نهج‌المسترشدين که کتابی در رده رساله‌های مفیده است، بر رساله‌های ابیات شرح بسیار کمتری نوشته شده است که این امر حاکی از اقبال کمتر دانشوران شیعی به این اثر کلامی است. طبق گزارش‌ها، نخستین شرح بر این رساله را ناصرالدین بن ابراهیم حداد عاملی^{۱۱} (م ۸۵۳ ق) زیر عنوان «الدرة النضیفة فی شرح الأبحاث المفیده» در حله نگاشته است. این شرح به سبک «قال أقول» نوشته شده و تألیف آن در بیست و شش روز، از ۲۸ شعبان تا ۲۴ رمضان ادامه داشته است.^{۱۲} شرح نامبرده تاکنون منتشر نشده است، ولی هم اکنون دو نسخه از آن می‌شناسیم:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۳ مورخ قرن نهم هجری قمری که از میانه و انجام افتادگی دارد.

۲. نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۲۶۴۱/۲ مورخ ۱۲۷۶ هجری قمری که ظاهراً از روی نسخه آستان قدس رضوی کتابت شده است.^{۱۴}

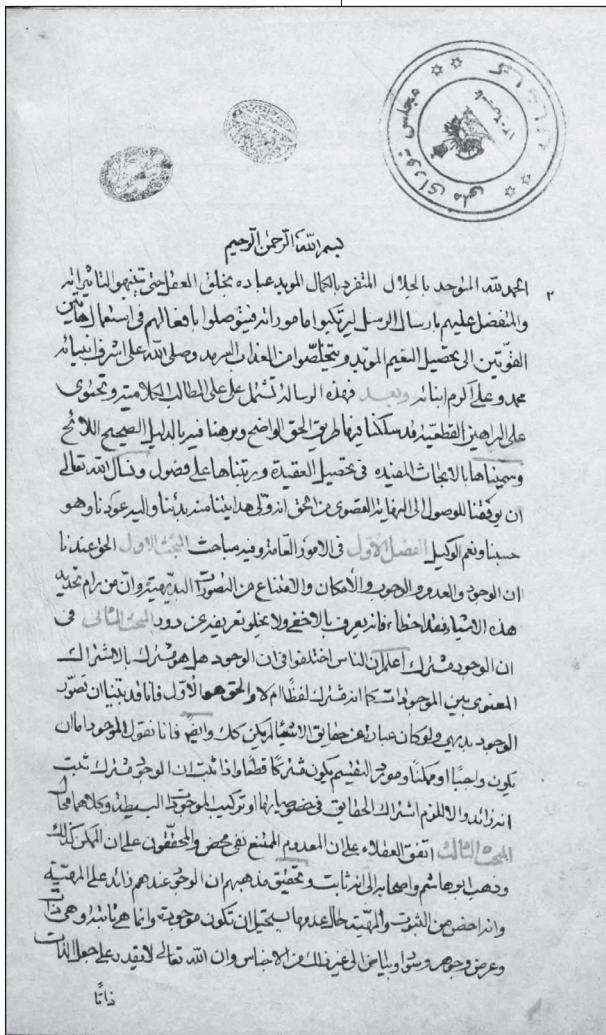
در برخی از منابع^{۱۵} از شرح دیگری بر رساله‌های ابیات مفیده به دست حاج ملاهادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق) یاد شده است که البته صحیح و سقیم چنین انتسابی نیازمند تحقیق و بررسی نسخه است (گرچه بعید به نظر

۱۲. نام شارح در آقا بزرگ تهرانی؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۳، ص ۵۷؛ الشیخ ناصر بن ابراهیم البویهی الأحسانی العاملی» و در موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۸ هـ، ج ۹، ص ۲۹۰ و معجم طبقات المتکلمین، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۵۰ «ناصر بن ابراهیم بن صباغ البویهی الأحسانی العاملی العینانی» ثبت شده است. اما در اعیان الشیعة؛ سید محسن امین؛ تحقیق: حسن المؤمن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق، ج ۹، ص ۱۷۸ به صورت «الشیخ محمد حسن بن ناصرالدین ابراهیم الحداد العاملی» و در پشت نسخه این اثر در آستان قدس رضوی بنا به نقل سید محسن امین در اعیان الشیعة (همان صفحه) «ابومحمد حسن بن ناصرالدین ابراهیم الحداد العاملی» آمده است؛ و کتب علی ظهر نسخه ما صورت: کتاب الدرة النضیفة فی شرح الأبحاث المفیده تصنیف الشیخ الإمام الفاضل الكامل أنموذج السلف بقية الخلف عین اعیان الرومان عز الملة والدين أبو محمد حسن بن ناصرالدین ابراهیم الحداد العاملی. سید محسن امین در اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۳۲۱ شرح حال مستقلی ذیل نام «الشیخ عزالدین ابومحمد الحسن بن ناصر بن ابراهیم الحداد العاملی» آورده است. علامه سید عبدالله شرف الدین بر آن است که به احتمال قوی «الشیخ عزالدین ابومحمد الحسن بن ناصر بن ابراهیم الحداد العاملی» همان «الشیخ محمد حسن بن ناصرالدین ابراهیم الحداد العاملی» صاحب الدرة النضیفة فی شرح الأبحاث المفیده است و تفاوت در اسم پدر - که در یکی «ناصر بن ابراهیم» و در دیگری «ناصرالدین ابراهیم» ذکر شده است - ناشی از اشتباه کتابت است. نگرید: مع موسوعات رجال الشیعة؛ تحقیق: مؤسسة تراث الشیعة؛ الطبعة الأولى، قم، نشر مؤسسة تراث الشیعة، ۱۳۹۱ ش، الجزء الثاني، ص ۴۷۰. گفتنی است که در کتاب الهیات علامه حلی (The Theology of al-Allama al-Hilli)، ص ۷۴ اسم شارح به جای «ناصر» به اشتباه «نصیر» ضبط شده است. در ترجمه این اثر، ن. ک: اشمنتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۷۵، س ۵) غلط دیگری به این اشتباه افزوده شده و به جای «أحسانی»، «أشعری» نوشته شده است و در مجموع نام شارح به «نصیر بن ابراهیم الأشعری» [!؟] تصحیف شده است. برای شرح حال شیخ ناصرالدین بن ابراهیم حداد عاملی ن. ک به: آقا بزرگ تهرانی؛ طبقات اعلام الشیعة؛ دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۰ ق، ج ۶، ص ۱۴۳، ۱۴۴؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۲۹۰؛ معجم طبقات المتکلمین، ج ۳، صص ۲۴۹ - ۲۵۰؛ کحالة، عمر رضا؛ معجم المؤلفین؛ دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۶ ق، ج ۱۳، ص ۶۷.

۱۳. این تاریخ بنا به گزارش علامه سید محسن امین، در پشت نسخه این اثر محفوظ در آستان قدس رضوی به نقل از مؤلف نوشته شده است: «صورة ما كتبه المصنف علی نسخه ابتدأت فی تصنیفه ثامن عشرین شعبان و فرغت فی اربع عشرین رمضان». (أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۷۹). در فهرست فخر ابراهیم آنچه که در اعیان الشیعة آمده، تاریخ تألیف رساله به جای ۲۸ شعبان تا ۲۴ رمضان، ۱۸ شعبان تا ۱۴ رمضان درج شده است. نگرید: درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۴، ص ۳۹۳.

۱۴. نگرید: درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۴، صص ۳۹۲ - ۳۹۳.

۱۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۶۳ و ج ۱۳، ص ۵۷؛ امین، اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۰۴؛ الطباطبائی، مکتبة العالمة الحلی، ص ۲۶؛ حبیب‌آبادی، محمدعلی، مکالم الأثر، نفاس مخطوطات اصفهان، اصفهان، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۴۵۹؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۸۵؛ معجم طبقات المتکلمین، ج ۵، ص ۲۱۱؛ معجم التراث کلامی، ج ۱، ص ۱۰۰؛ اشمنتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۷۵؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۳۶۴؛ سبحانی، رسائل و مقالات، ج ۱، ص ۳۴۰.



می‌رسد حاج ملاهادی سبزواری صدرائی مشرب، به شرح یک رساله کلامی از علامه حلی با بن‌مایه‌های معتزلی تمایلی داشته بوده باشد). علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به نسخه‌ای از این شرح مؤرخ ۱۲۷۳ هجری قمری محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی اشاره کرده است.^{۱۶}

۴. چاپ‌ها

رساله موجز الأبحاث المفيدة - که تنها حجمی حدود ۸۵۰۰ کلمه دارد - تا کنون دو بار به چاپ رسیده است:

۱. این رساله نخستین بار در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی به کوشش آقای شیخ یعقوب جعفری (ی. ج.)^{۱۷} در مجله کلام (وابسته به مؤسسه امام صادق (ع))، ص ۲۲ - ۴۰ منتشر شد. مصحح در مقدمه رساله به سه نسخه پیشگفته رساله اشاره کرده است، اما مشخص نکرده که در ویراست خود، از کدام یک از این دست‌نوشت‌ها استفاده نموده است. متأسفانه این ویراست فاقد هرگونه نسخه بدل است و احتمال می‌رود که تنها بر اساس یک نسخه فراهم آمده باشد.

۲. چندی پیش نیز طبع تازه‌ای از این رساله به دست آقای شیخ محمدرضا انصاری قمی در کتاب عقیده الشیعة، ج ۲ (القسم الثانی)، ص ۶۱۵ - ۶۵۰ ارائه شد.

۵. ارزیابی چاپ‌های اثر

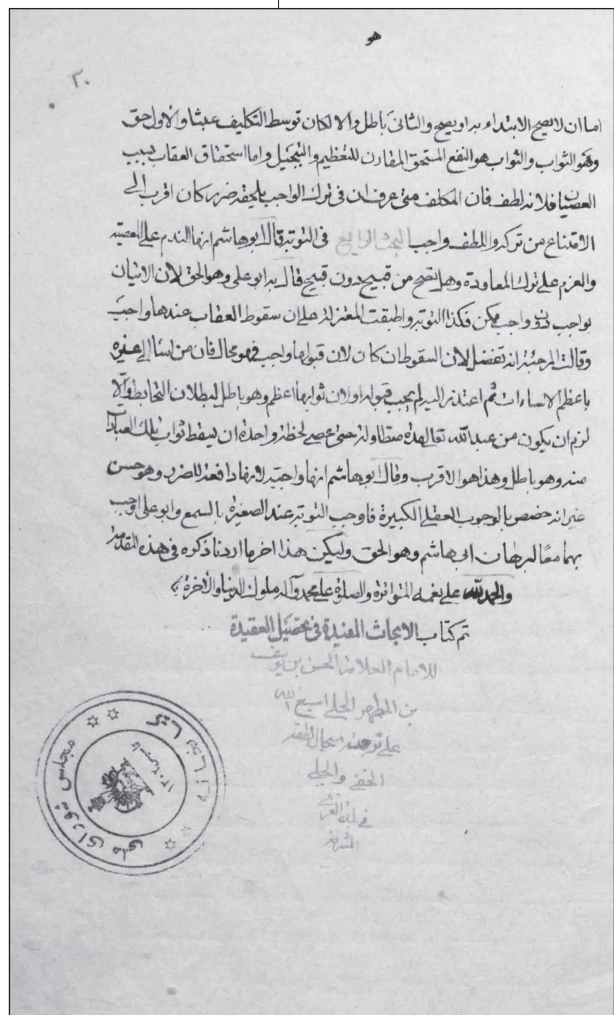
در یک ارزیابی کلی، هر دو چاپی که تا کنون از این رساله عرضه شده است، فاقد ویژگی‌های اساسی یک ویراست انتقادی عالمانه بوده و هیچ‌یک، ویراستی صحیح و استوار از اثر به شمار نمی‌آید. طبع اخیر این رساله به دست آقای شیخ محمدرضا انصاری قمی متأسفانه آکنده از اغلاط و افتادگی‌هاست و به طور کلی از حیث ارتفاع ساقط است!^{۱۸} بنابراین محققان کلام پژوه باید تا آنجا که میسر است از رجوع و ارجاع به این چاپ خودداری کنند. ویراست نخست این اثر که در مجله کلام منتشر شده است نیز گرچه از طبع دوم آن در کتاب عقیده الشیعة - که ذکر خیرش رفت - به مراتب بهتر است، شوربختانه همراه با اغلاط و اشکالاتی است که در ادامه به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.^{۱۹} ابتدا ضبط (غلط) کلمات به‌گونه‌ای که در متن چاپی آمده است درج می‌گردد و پس از آن، صورت صحیح آنها ذکر می‌شود:

۱. ص ۲۴، ستون نخست، سطر ۸: فهذه الرسالة ← و بعد فهذه الرسالة.

۲. ص ۲۴، ستون دوم، سطر ۲: إذا ثبت الوجود مشترك ثبت انه زائد وللزم

اشترک الحقائق فی خصوصیاتها ← زائد و إلا للزم.

۳. همان، سطر ۸: إن الوجود عندهم زائد علی المهيبة و انه أخص من الوجود ← الثبوت.



۴. همان، سطر ۹: و این‌ها هي ثابتة أودات و عرض و جوهر و سواد ← وهي.

۵. همان، سطر ۱۸: فيلزم التناهي في المعدومات ← المعدومات.

۶. ص ۲۵، ستون اول، سطر ۱: أمام الحرمين ← إمام الحَرَمين.

۷. ص ۲۶، ستون دوم، سطر ۱۵: التأليف و المحاوره ← التأليف و المُجَاوِزة.

۸. همان، سطر ۲۱: و اعلم أن هذه الأدلة أظهر فساداً من ان تفتقر إلى بيان الجواهر مدرکه لمسأ و حساً و هو ضروري ← إلى بيان الجواهر مدرکه لمسأ و حساً.

۹. ص ۲۷، ستون اول، سطر ۶: اللازم باطل فالمزوم مثله ← فالمزوم.

۱۰. ص ۳۱، ستون اول، سطر ۳: مختلف أما باختلافه لمعلوم في ذات أو في الاعتبار ← إمّا باختلافه.

۱۱. ص ۳۳، ستون اول، سطر ۲۲: و آخرون قالوا أنه نفسه الماهية ← إنه نفس الماهية.

آنچه گذشت تنها شماری اندک از اشکالات و اغلاط و ایراست رساله‌های تحقیقات مفیده فی تحصیل العقیده چاپ شده در مجله کلام بود. در این تصحیح، نادرستی‌ها و آشفتگی‌های ویرایشی قابل توجهی نیز مشاهده می‌شود که گمان می‌کنم حاجتی به ذکر آنها نباشد.

با توجه به آنچه بیان شد روشن گشت که دو طبع در دسترس این رساله در حال حاضر، هیچ یک مقبول و مطبوع نیست و باید ویراستی تازه از این رساله و جیزو در عین حال عزیز عرضه نمود.

۶. ساختار رساله

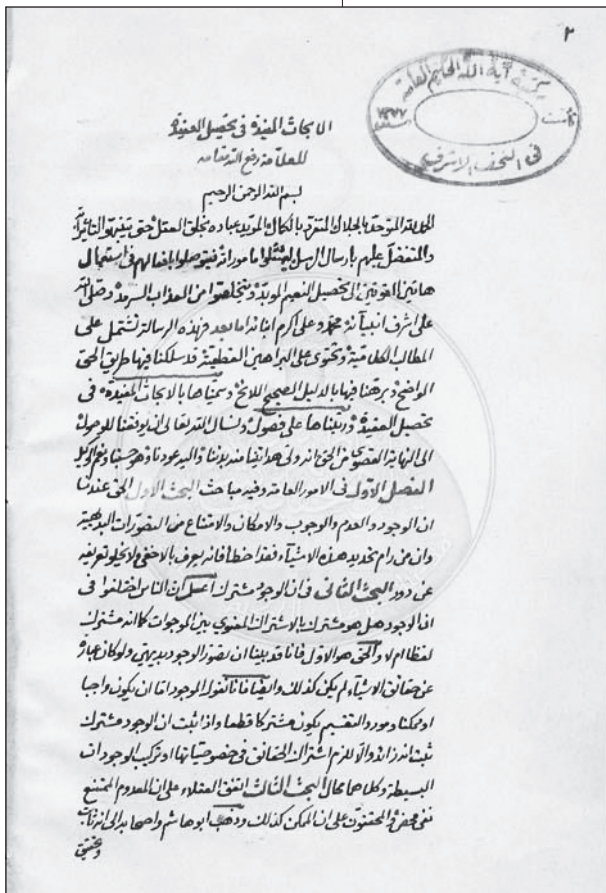
از حیث ساختار، رساله‌های تحقیقات مفیده از هشت فصل کلی تشکیل شده که هر یک در ذیل خود، مشتمل بر چند مبحث است. گرچه این رساله در ظاهر، چهارچوبی خاص خود برای طرح مباحث دارد، همانند بیشتر نگاشته‌های کلامی علامه، در تنظیم و ترتیب بیان مطالب، به طور کلی از ساختار ویژه کتب نگارش یافته در سبک مکتب کلام فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی پیروی کرده است. یعنی مباحث در دو بخش کلی الهیات به معنی الأعم (که در این رساله عبارت است از سه فصل نخست

آن که شامل مباحث کلی مربوط به وجود عام و جواهر و اعراض می‌شود) و الهیات به معنی الأخص (در باره شناخت خداوند و سایر احکام مربوط به او، که در این رساله پنج فصل آخر آن را تشکیل می‌دهد) تدوین یافته است. ترتیب فصول رساله‌های تحقیقات مفیده و مباحث مطرح در ذیل آنها به شرح زیر است:

فصل اول: درباره امور عامه. (شامل هفت مبحث مهم در خصوص احکام کلی «وجود» و ویژگی‌های آن).

فصل دوم: درباره جواهر. (مشتمل بر هفت مبحث در خصوص احکام جواهر).

فصل سوم: درباره اعراض. (حاوی بیست مبحث در باب احکام اعراض). این فصل درازدامن‌ترین فصل این رساله است.



اختصاص داده و مباحث بیشتری در آنها مجال طرح یافته، حال آنکه در سه فصل آخر مباحث راجع به بُبُوت و امامت و معاد با اختصار بسیار نوشته شده و تقریباً روی هم رفته فقط یک ششم از حجم کل رساله را تشکیل داده است.

۷. محتوای رساله

چنان که بیان شد، رساله - الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة نگاشته‌ای نسبتاً کوتاه است که در آن یک دوره دانش کلام امامی به اجمال تحریر شده است. علامه در پایان این رساله از آن به عنوان «مقدمه» یاد کرده است: «ولیکن هذا آخر ما أردنا ذكره في هذه المقدمة». این تعبیر حکایت از آن دارد که هدف علامه از نگارش این رساله نیز فراهم آوردن «درآمدی بر علم کلام» بوده که در آن، مباحث مقدماتی این دانش مطرح و تبیین گردد. البته همان‌گونه که در صدر این نوشتار اشاره کردم، علامه چندین رساله کلامی دیگر نیز با همین نیت و هدف تألیف کرده است، اما باید توجه داشت که این رساله‌ها هر یک مشتمل بر فواید خاص خود بوده و چنین نیست که یکسره تکرار و بازنویسی محض باشد. در حقیقت در لابه لای مباحث و در ضمن مطالب به ظاهر تکراری این رساله‌ها، گاه کلمات و عباراتی درج شده است که فهم فلان عبارت غامض در دیگر نوشتارهای کلامی یا بهمان نظریه در عرصه مجادلات عقیدتی را آسان می‌کند و به منزله راهنمایی سودمند در یادگیری مفاهیم و آموزه‌های کلامی عمل می‌نماید. از این رو نمی‌بایست به سادگی از کنار این رساله‌ها و نگاشته‌های ظاهراً خرد گذر کرد و در عبارات آنها نیندیشید. به واقع علامه در نگارش هر رساله، سطح خاصی از کلام آموزان را مد نظر داشته است و متناسب با حال آنها مباحث کلامی را تقریر کرده است و به همین جهت ممکن است در این عبارات مختلف و توضیحات متفاوت، کلید فهم مطلبی دشوار یا مبهم نهفته باشد.

الذواب بسبب الطاعة و يدل عليها ان الطاعة مشتملة وهي من غير مفر في حق
 حضور صاحب الملك المستحق ذلك العرش انما ان لا يبعث الا نبأ به لو اخرجنا ان
 باطله و لا الكان قوسه الكليل عينا و الا و لا حتى وهو ان ذواب و الثواب
 هو النفع المستحق للمعان للتعظيم والتجليل و اما استحقاق العقاب لاسب
 المعصية فلانه لطف فان الملك من عرف ان في ترك الواجب لغيره
 كان اقرب الى الاضغاع من تركه والالطف واجب البحث الرابع
 في التوبة قال ابو هاشم انما الندم على المعصية والعزم على تركها
 وهما لصح من ضج دون ضج قال ابو علي وهو الحق لان الايمان
 بواجب دون واجب يمكن فكذا التوبة واطلقت المعصية على ان
 سقوط العقاب عنها واجب وقالت لرجلة انه تعضل لالت
 السقوط ان كان لا يجرها واجب فهو كما فان من ساء الى غير ما ظم
 الا ساء ثم عذر اليرم يجب قبوله وان ذوابها اعظم وهو باطل لطل
 الخاطب والالتم ان يكون من عبد الله تعالى منة من الله وانه حتى على خطه
 و اجبت ان يسط ذواب تلك العباد آتت وهو باطل وهذا هو الاثر
 وقال ابو هاشم انما واجبة لانها داخلة للمفرد وهو حسن غير ان
 ما لوجوب المعصية الكبيرة فاجب التوبة عند الصغيرة السبع و اوبى
 اوجب بها ما لم بها ابو هاشم وهو حق وليكن هذا اخر ما اردنا ذكره
 في هذه المقدمة الحمد لله على نعمه المتزايدة والصلوة على محمد واله طوبى
 ثم كتاب الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة في الإسلام و هي في ثلث
 العلامة الحسن بن يوسف اللطيف الطوسي
 النسخ طه السلي و في النسخة السابعة
 من رمضان ١٢٣٥ هـ
 قم

فصل چهارم: در اثبات واجب الوجود. (دارای شانزده مبحث دربارهٔ اثبات وجود خداوند و مهم‌ترین صفات او).

فصل پنجم: در باب عدل. (در بردارندهٔ هفت مبحث راجع به حُسن و قبح عقلی، افعال انسان، ماهیت تکلیف، وجوب لطف، احکام آام، و آرزاق و آجال و أسعار).

فصل ششم: دربارهٔ بُبُوت. (شامل چهار مبحث: ضرورت بعثت پیامبران، عصمت پیامبران، اثبات بُبُوت پیامبر اکرم (ص) و امکان وقوع کرامات).

فصل هفتم: راجع به امامت. (مشتمل بر چهار مبحث: وجوب امامت، اثبات عصمت امام، اثبات امامت حضرت علی (ع) و امامت سایر ائمه - عليهم السلام).

فصل هشتم: در باب معاد. (حاوی چهار مبحث دربارهٔ ماهیت انسان، امکان عدم عالم، استحقاق ثواب، و توبه).

از بین فصول بالا، فصول اول تا پنجم بیشترین حجم رساله را به خود

۲۰. جلی، حسن بن یوسف، الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة، ص ۴۰.